



• ترجمه‌های سواحلی

زبان سواحلی بیش از هر زبان دیگری در شرق آفریقا شیوع دارد و حدود ۲۵ میلیون آفریقایی در تانزانیا، کنیا، اوگاندا، رواندا و بروندی مقصود خود را به وسیله آن تفهیم و تفهم می‌کنند^۱. زبان سواحلی از ترکیب زبان عربی با لهجه‌های ساحلی آفریقایی و زبان‌های بانتو به وجود آمده است. مهاجرت‌هایی که از حضرموت، عمان، سواحل یمن، ایران و خلیج فارس صورت گرفته، در شکل‌گیری این زبان تأثیر فراوانی داشته است. این زبان در جزایر مقابل ساحل شرقی آفریقا مانند زنگبار، لامو، بیمبا، مافیا، ممباسا، جزایر کومور و سیشل انتشار یافته است.

گسترش اسلام یکی از عواملی بود که در شکل‌گیری این زبان تأثیر بسزایی داشت و

۱. به استناد شواهدی که در دست است، در حال حاضر، شمار تکلم‌کنندگان به زبان سواحلی به بیش از یکصد میلیون نفر می‌رسد. م

بعدها این زبان بر اصطلاحات قرآنی و اسلامی مبتنی گردید و ریشه‌های عربیت از لحاظ نژاد، زبان و دین به تدریج در آن گسترش یافت، به طوری که اگر مقاومت استعمارگران و مبشران مسیحی نبود، این مناطق زبان عربی را می‌پذیرفتند. زبان سواحلی، زبان بازرگانی و زبان تفهیم و تفهم میان ملت‌های گوناگون است و از همین جا اهمیت آن در تبلیغ معانی قرآن برای مسلمانان روشن می‌شود.

تاریخ ترجمه معانی قرآن به زبان سواحلی، نمونه دردناکی از فرجام رها کردن میدان ترجمه برای دشمنان و گمراهان هر نژاد و دینی به شمار می‌رود و این خود از یک سو، اهمیت مراقبت از ترجمه‌های انتشار یافته به زبان مسلمانان، و از سوی دیگر ضرورت اهتمام گروه‌های اسلامی به انتشار تفاسیر مناسب به زبان هر مسلمانی را می‌رساند.

شاید تو برادر گرامی تعجب کنی اگر بگویم نخستین ترجمه کامل معانی قرآن کریم به زبان سواحلی توسط کشیش گودفری دیل (Godfrey Dale) یکی از اعزام شدگان به دانشگاه‌های آفریقای میانه صورت گرفته و گروه «جنش شناخت مسیحیت» در سال ۱۹۲۳ آن را در لندن منتشر کرده است. دیل از سال ۱۸۸۹ تا سال ۱۸۹۷ به عنوان نماینده جمعیت تبشیری مسیحی که به C.M.S. معروف بود در زنگبار (تانزانیا) اقامت گزید، سپس به بریتانیا بازگشت و در رتبه‌های کلیسایی ترقی کرد و در دانشکده سنت ساویور و سپس در نیومارکت مشغول به کار شد، و مجدداً در سال ۱۹۰۳ به زنگبار (تانزانیا) بازگشت و در سال ۱۹۲۳ ترجمه قرآن کریم را آغاز کرد. او کتابی دیگر نیز تحت عنوان تفاوت‌های مسیحیت با اسلام تألیف نمود که در سال ۱۹۰۵ منتشر شد. ترجمه دیل از قرآن کریم با عنوان *Tafsiriyy Kurani ya Kiarabu Kwa Lugha ya Kiswahili* در ۶۸۶ صفحه با یک مقدمه ۲۲ صفحه‌ای که ترجمه سواحلی آن با حروف لاتینی چاپ شده بود، انتشار یافت.

دیل این کار را در پاسخ به رغبت مبشران مسیحی شرق آفریقا انجام داد تا آنان را در نشر مسیحیت و دفاع از آن در برابر مسلمانان کمک کند و با نقد و اشکال، به اسلام هجوم آورد. شاید برای خواننده، این سؤال پیش آید که میان شناخت مسیحیت و ترجمه معانی قرآن چه ربطی وجود دارد؟ آنچه در پی می‌آید، سخنان گودفری دیل است که انگیزه‌های ترجمه خود را در ضمن آن بیان می‌کند. ما در این جا سخن او را به اختصار نقل می‌کنیم:

«قرآن در شرق آفریقا جایگاه بلندی دارد همان‌گونه که اسلام در آن جا از موقعیت ممتازی برخوردار

□ ۶۱ ترجمه قرآن به زبان‌های آفریقایی... □

است، و زبان سواحلی زبانی است که در آن، زبان عربی با زبان آفریقایی پیوند خورده است و تعبیرات و اصطلاحات قرآنی بیشترین گسترش را در زبان سواحلی دارند. به رغم بی‌سوادی و محدودیت آموزش، کودکان مسلمان قرآن را حفظ می‌کنند، بدون آن که معانی آن را بدانند و شب و روز در نمازهایشان آن را تکرار می‌کنند. زبان سواحلی به طور گسترده‌ای از قرآن تأثیر پذیرفته و این خود باعث سهولت کار ترجمه شده است.

بعضی از گروه‌های اعزامی به آفریقا تلاش کرده‌اند زبان سواحلی را از تأثیرات زبان عربی و قرآنی دور نگه دارند، ولی رسیدن به این هدف برای آنان بسیار دشوار بوده است. ما می‌دانیم که زبان سواحلی با تأثیری که از تعبیرات قرآنی و عربی پذیرفته، بیش از هر زبان دیگری در میان مردم انتشار یافته و زبان تفهیم و تفهم آنان شده است و لذا باید راه دیگری برای متوقف ساختن گسترش قرآن پیدا کرد. اگر مردم اکنون قرآن را بدون فهم معانی آن تلاوت می‌کنند، به زودی آن را با تدبر و تعلیم بیشتر تلاوت خواهند کرد.

ما باید این حقیقت را بپذیریم، زیرا با کتاب عجیبی رو به رو هستیم که تأثیری سحرآمیز حتی در کسانی که آن را یاد نگرفته‌اند و معانی آن را نمی‌دانند، دارد. آنان ایمان دارند که این کتاب وحی آسمانی و معجزه است و برای همه انسان‌ها نازل شده و کتاب‌های آسمانی پیشین را نسخ کرده است. هنگامی که یک آفریقایی ساده تلاوت قرآن را می‌شنود از آن متأثر می‌شود هرچند معنای آن را نفهمد. او بر این باور است که قاری قرآن معنای آن را می‌داند و علما، فقها و مدرسان نیز معنای آن را می‌دانند. اکنون باید دید که ما چرا قرآن را ترجمه می‌کنیم؟ اسلام بیش از ما در این میدان سابقه دارد و ما در قانع ساختن مردم دچار مشکلاتی می‌شویم و باید با مسلمانان رو به رو شویم. بنابراین باید قرآن را که آنها از آن سخن می‌گویند بشناسیم.

برای یک مبلغ و مدرس مسیحی لازم است که با عربی بداند و با قرآن به زبان سواحلی ترجمه شود تا بتواند مناظره کند. گویا او با زبان حال می‌گوید: «ترجمه سواحلی قرآن را به ما بدهید تا بدانیم که ما کیستیم و در کجا قرار داریم»، با وجود چنین ترجمه‌ای می‌توانیم هنگام مناظره، به سوره و آیه و حتی به سطر قرآن استناد کنیم. من فکر می‌کنم این ترجمه نتایج زیر را دربر خواهد داشت:

۱. خطاکار شناخته می‌شود و مطلب درست جا می‌افتد.
۲. خیر از شر جدا می‌شود.
۳. پس از این، دیگر آفریقایی نمی‌تواند بگوید که اگر او پای‌ها به قرائت قرآن آشنا بودند مسیحی نمی‌شدند.
۴. برای آفریقایی روشن خواهد شد که قرآن چیزهایی مانند تعدد زوجات، مجاز بودن طلاق و بردگی را به او تعلیم می‌دهد، و اینها را با تعالیم مسیحیت که از این کارها نهی می‌کند مقایسه خواهد کرد. جز اینها انگیزه‌های دیگری هم برای انجام این ترجمه وجود دارد.»

دلیل به هنگام ترجمه دید که نسخه عربی قرآن که در اختیار آفریقایی‌هاست به گونه‌ای است که هر صفحه آن ۱۵ سطر دارد و قرآن در سی جزء ترتیب یافته است، از این رو او نیز ترجمه خود را طوری تنظیم کرد که شماره آیات و سوره‌ها را داشته باشد تا به مبلغ مسیحی در مناظره و استشهاد به آیات کمک کند. وی در پایان ترجمه نیز ۲۰۰ صفحه را به شرح و

حاشیه اختصاص داد که هر حاشیه‌ای دارای شماره‌ای است و جای آن در ترجمه مشخص شده است.

این همان کتابی بود که در آفریقا در دست معلمان و مبلغان مسیحی قرار گرفت و در زنگبار به فروش می‌رفت و برای گروه‌های اعزامی و مبشران و مدرسان ارسال می‌شد تا به کمک آن بتوانند به مسلمانان انتقاد کنند. مسلمانان در برابر این ترجمه به شدت خشمگین شدند، زیرا بدترین سخنی که در مقدمه آن آمده بود این بود که قرآن و انجیل با هم تعارض دارند و امکان ندارد کسی قرآن و انجیل را با هم بپذیرد.

اگر نخستین ترجمه از سوی یک مبلغ مسیحی صورت گرفت، دومین ترجمه هم توسط یک مبلغ قادیانی انجام شد. راستی مسلمانان چقدر سستی کردند! هنگامی که دشمنان قرآن از تضعیف متن عربی آن ناتوان شدند، با ترجمه آن به زبان‌های دیگر، دست به تحریف و زشت ساختن آن زدند.

در سال ۱۹۵۳ در بازارهای نایروبی ترجمه‌ای توسط میرزا مبارک احمد احمدی در ۱۰۶۲ صفحه از سوی بعثه احمدی [به اصطلاح] اسلامی منتشر شد. این ترجمه‌ای بود که شامل متن عربی قرآن بود و در ستون مقابل ترجمه سواحلی آن قرار داشت. ترجمه مذکور در سال ۱۹۳۶ آغاز گردید و چاپ آن در سال ۱۹۴۳ پایان یافت. سپس آن را به انجمن زبان‌های محلی دادند و در سال ۱۹۴۴ انجمن مزبور آن را ترجمه‌ای قابل قبول در زبان سواحلی تلقی کرد. البته این اظهار نظر با فهرستی از پیشنهادات و توضیحات لغوی همراه بود. این ترجمه به چند تن از مبلغان فرقه احمدی در شرق آفریقا نیز عرضه شد که آنان هم از نظر مذهب قادیانی و از لحاظ لغوی نشر آن را اجازه دادند.

این ترجمه همراه با توضیحاتی بود که هدف از آن توضیحات رد شبهه‌های مبلغان مسیحی و اعلام برتری تعالیم اسلامی بود، ولی در میان این توضیحات و حواشی، عقاید قادیانی‌ها راه یافته بود. گویی آنان شبهاتی را رد می‌کردند تا شبهات دیگری برانگیزند و سمومی را از بین می‌بردند تا خود سموم دیگری ایجاد کنند. هر کس این ترجمه را بررسی کند، به خوبی درمی‌یابد که مترجم تحت تأثیر ترجمه قبلی، یعنی ترجمه «دیل» قرار گرفته است. از این ترجمه که با حروف لاتینی چاپ شده بود، ده هزار نسخه به عنوان چاپ اول منتشر گردید.

□ ۶۳ ترجمه قرآن به زبان‌های آفریقایی... □

ظهور این ترجمه خشم شدید مسلمانان را که اکثر آنان پیرو مذهب شافعی (اهل سنت) بودند برانگیخت. آنان فرقه احمدیه را متهم کردند که در این ترجمه سوء نیت داشته‌اند و آیات قرآن را به گونه‌ای ترجمه و تفسیر کرده‌اند که با اعتقادات خودشان مطابقت داشته باشد. عالم بزرگوار مرحوم شیخ عبدالله صالح الفارسی در ردّ بر احمدیه کتابی تحت عنوان انحراف ترجمه قادیانی‌ها تألیف کرده است.

از آن جا که تفسیر احمدی از اهمیت و شگفتی فراوانی برخوردار بود، شیخ فارسی تصمیم گرفت تفسیری به زبان سواحلی تهیه کند تا برای خوانندگان سواحلی مرجع مطمئنی باشد. این تصمیم با شجاعت ادبی بسیاری همراه بود، زیرا در آن دوران اندیشه عمومی مسلمانان آماده پذیرش ترجمه قرآن نبود، چرا که قرآن را غیر قابل ترجمه می‌دانستند و کسی نمی‌توانست به تنهایی قرآن را ترجمه کند؛ قرآنی که خداوند آن را به زبان عربی مبین نازل کرده و درباره آن فرموده است: «انا نحن نزلنا الذكر واننا له لحافظون (سوره حجر، آیه ۹) و هر چیزی را که بشر به هر زبانی بنویسد قرآن نخواهد بود.

تجربه شیخ صالح نخستین تجربه یک دانشمند مسلمان آفریقایی به شمار می‌رفت. این در حالی بود که قرآن کریم همواره، از ممباسا گرفته تا نایروبی و از زنگبار گرفته تا کامپالا، به زبان عربی فصیح تلاوت می‌شد. هرچند زبان عربی از زبان سواحلی جدا بود، ولی زبان عربی محبوب‌ترین زبان برای مسلمانان آفریقا محسوب می‌شد، زیرا زبان قرآن بود و زبان عربی همراه با اسلام گسترش یافته بود.

به هر حال، از آن جا که قرآن از سوی غیر مسلمانان ترجمه می‌شد، لازم بود مسلمانان اقدامی به عمل آورند و شرح و تفسیر صحیحی برای معانی قرآن کریم به مسلمانان شرق آفریقا ارائه دهند.

شیخ صالح ترجمه خود را در سال ۱۹۵۶ آغاز کرد. ترجمه او جزء جزء به چاپ می‌رسید که ۱۲ جزء آن تا سال ۱۹۶۱ چاپ شد. نخست مسلمانان با آن با احتیاط برخورد کردند، تا این که در سال ۱۹۶۹ از سوی مؤسسه اسلامی نایروبی به صورت کامل و در یک جلد منتشر گردید.

نیکوکار بزرگ، حسن عباس شربتلی در انتشار این ترجمه که به صورت زیبایی به چاپ رسید سهم عمده‌ای داشت. خداوند به او در برابر اسلام و مسلمین بهترین پاداش را دهد.

همچنین رئیس محاکم شرعی قطر آن را در سال ۱۹۸۲ تجدید چاپ نمود و در مدارس و مساجد و میان جمعیت‌های اسلامی توزیع کرد.

شیخ فارسی همان عبدالله بن صالح بن عبدالله بن صالح قاسم منصور فارسی است که در «روی» عمان متولد شد. او رئیس القضاة کنیا، بود و در زمینه موضوعات گوناگون اسلامی حدود پنجاه جلد کتاب تألیف کرده است. از آثار بزرگ او کتاب‌هایی در سیره پیامبر و این ترجمه اوست که به آن اشاره کردیم. او مبلغی با نشاط بود که روستاها و جنگل‌ها را با پای پیاده طی می‌کرد و به دعوت در راه خدا اقدام می‌نمود، و بالا بودن سن یا مشکلات مسیر و باران‌های موسمی او را از انجام وظیفه خود باز نمی‌داشت.

او در زنگبار درس خواند و در آن‌جا زندگی کرد، تا این که در کودتای خونین سال ۱۹۶۴ به کنیا مهاجرت نمود. شیخ قاسم مزروعی رئیس القضاة کنیا به علت کسالتی که پیدا کرده بود، او را به جانشینی خود در امر قضاوت دعوت کرد. او در سال ۱۹۸۲ در سن هفتاد سالگی در زادگاه خود «روی» درگذشت.

بدون شک، تفسیر شیخ صالح خلأ بزرگی را پر کرد و به مسلمانانی که به زبان سواحلی تکلم می‌کنند خدمت شایانی نمود. امید است این تفسیر پایان کار نباشد، بلکه تفسیرهای دیگری نیز در پی آن درآید و بخش‌هایی از معارف قرآنی را توضیح دهد.

در زبان سواحلی ترجمه‌های جزئی متعددی یافت می‌شود که از جمله آنها ترجمه‌ای است که در سال ۱۹۳۶ چاپ شده و مترجم آن م. فیروزدین نام دارد. ترجمه مختصری نیز از امین بن علی در لاهور چاپ شده است. علاوه بر اینها، از ترجمه اجزای متعددی از قرآن کریم باید نام برد که توسط شیخ عبدالله صالح فارسی، پیش از انتشار ترجمه کامل او، به صورت پیاپی چاپ گردیده است.

• ترجمه قرآن به زبان یوروبا

اکنون از شرق آفریقا به غرب آن، یعنی نیجریه که زبان یوروبا در آن جا رایج است می‌رویم، زیرا میان این دو منطقه از این جهت که ترجمه‌هایی به دست مبلغان مسیحی در آن انجام شده است تشابهی وجود دارد. این بدان جهت است که خواننده آنچه را که در دو سوی این قاره بر سر قرآن آمده است لمس کند.

□ ۶۵ ترجمه قرآن به زبان‌های آفریقایی... □

قبایل یوروبا به وسیله زبان مشترکی از خانواده کنگو، نیجر و مجموعه کوا متمایز می‌گردند. آنان در جنوب نیجریه، سیرالئون، بنین، توگو و غنا منتشر شده‌اند و بزرگ‌ترین مجموعه آنها در جنوب نیجریه در ایالت‌های اوگون، اوندو، لاگوس، بالورین و گیبیا قرار دارد. آمار این جمعیت شاید به ۲۵ میلیون نفر برسد که سه پنجم آنها مسلمانند.

نخستین ترجمه قرآن کریم به زبان یوروبا توسط یک کشیش مسیحی به نام «میخائیل سموئل کول» صورت گرفت. او در نیجریه از طرف جمعیت تبشیری Christian missionary society در سال ۱۹۰۶ مأموریت تبلیغی داشت و تا سال ۱۹۳۶ به عنوان مدیر دانشکده اودودواوی لاگوس مشغول به کار بود. ترجمه او دو بار، یک بار در سال ۱۹۰۶ در لاگوس، و دیگر بار در سال ۱۹۲۴ در اکستر در انگلستان با حروف لاتینی و در ۴۱۰ صفحه تحت عنوان: *Al-Kurani Ti a yipada Si ede Yoruba* چاپ شد. این ترجمه ترجمه‌ای تحت اللفظی و فاقد متن عربی است.

به نظر من، این کار، یعنی نخستین ترجمه قرآن به زبان سواحلی و زبان یوروبا که در دو طرف قاره آفریقا توسط دو کشیش وابسته به یک جمعیت تبشیری صورت گرفت تصادفی نبود؛ چنان که وقتی ترجمه فرقه احمدیه در شرق آفریقا به دنبال ترجمه مبشران مسیحی انجام یافت، در غرب آفریقا نیز چنین رویدادی شکل گرفت و دومین ترجمه قرآن به زبان یوروبا ترجمه قادیانی‌ها بود که تحت عنوان: *Al Kurani mimo: ni ede Yoruba ati larubwa* در سال ۱۹۷۶ از سوی بعثه احمدیه در لاگوس منتشر شد.

از آن‌جا که مسلمانان یوروبایی زبان دریافتند که نیاز شدیدی به ترجمه معانی قرآن کریم به زبان یوروبا وجود دارد و باید معانی کتاب عزیز الهی برای آنان روشن شود، به همت شهید احمد بللو، نخست وزیر شمال نیجریه و عضو مجلس مؤسسان رابطه العالم الاسلامی، نخستین ترجمه معانی قرآن کریم به زبان یوروبا که توسط مسلمانان امین نوشته شده بود، انتشار یافت. این ترجمه به وسیله گروهی که توسط مجمع مسلمانان نیجریه تشکیل شده بود صورت گرفت. این گروه را آقای محمد اول آگستو، حاج احمد تیجانی اکونی، حاج حسن یوشع دندی و چند تن دیگر تشکیل می‌دادند که زیر نظر دولت شهید احمد بللو و استاد کامل شریف که هر دو عضو رابطه العالم الاسلامی بودند، فعالیت می‌کردند. گروهی از علمای کشورهای یوروبایی زبان نیز آن را بررسی کردند و به دستور ملک فیصل پادشاه سعودی ۲۵

هزار نسخه از آن چاپ شد و میان مسلمانان یوروبایی توزیع گردید.

این ترجمه در سال ۱۹۷۳ توسط انتشارات دارالعربیة بیروت، تحت عنوان: *Al Kurani ti a tumo si ede Yoruba* در ۵۷۵ صفحه همراه با متن عربی قرآن تجدید چاپ شد. این ترجمه هم مانند ترجمه‌های دیگری است که توسط مسلمانان انجام گرفته است. در این نسخه، ترجمه با حروف لاتینی در حاشیه چاپ شده و متن قرآن در وسط قرار گرفته و در پایین صفحات توضیحاتی افزوده شده است.

این ترجمه تا کنون در روشن شدن مفاهیم آیات الهی برای کسانی که به زبان یوروبا تکلم می‌کنند تأثیر بسزایی داشته است، تا آن جا که مردم حتی برای تهیه یک نسخه آن تلاش فراوان می‌کردند، و همین اشتیاق مسلمانان سبب شد که نسخه‌های آن به سرعت نایاب شود. این جا بود که ملک خالد به تجدید چاپ آن دستور داد و در سال ۱۹۷۷ میلادی ۲۰۰ هزار نسخه دیگر از آن چاپ شد و به طور رایگان توزیع گردید. برخی نیکوکاران نیز برای درک ثواب الهی چندین هزار نسخه دیگر از آن چاپ کردند و آن را به مسلمانان اهدا نمودند.